

# شادی‌های نکوهیده در قرآن کریم و روایات

{ سبب‌های اجتماعی }

## چکیده

شادی و سرور از واقعیت‌های جدایی‌ناپذیر حیات انسانی است. در این میان برخی از شادی‌ها که به ظاهر عامل خوشی و خوش‌بختی ولی در واقع فرصت‌شکن و غم‌آور هستند، قابل شناسایی و پیش‌گیری هستند و اقدام به موقع برای رفع این غم‌های ناروا، رضایت الهی را به دنبال دارد.

مقاله‌ی حاضر در صدد تبیین جایگاه شادی‌های نکوهیده به شیوه‌ی شناختی و توصیفی با الهام از روش‌های قرآن کریم و روایات است. در تقسیم‌بندی شادی‌های نکوهیده در جامع‌ترین شکل ممکن به قرآن کریم، کتاب‌های تفسیر و رایانه مراجعه شده است. مطالعه‌ی توصیفی نشان می‌دهد شادی‌های نکوهیده شامل شادی تمسخرآمیز، شادی به زشتی‌ها، شادی به فرقه‌گرایی در دین، شادی به گناه، شادی از لغزش دیگران، شادی در برابر افراد محزون، شادی خندانیدن مردم با دروغ، شادی و خنده‌ی بی‌مورد، شادی مجالس خوش‌گذرانی ناروا، شادی مخالفت از دستورات پیامبر (ص)، شادی به مال و ثروت و رفاه دنیا، شادی به نفاق، شادی به باطل‌گرایی، شادی به سنن الهی و خنده‌ی قهقهه می‌شود. یکی از نتایج مهم این تحقیق، آشکار شدن علت و حکمت نکوهش برخی شادی‌های ناروا در تعالیم الهی است. سستی ایمان در تضعیف و تحقیر حق و باطل‌گرایی، غرور و خودپرستی، گرایش به فرقه‌گرایی، گناه و زشتی، لهو و لعب و خوش‌گذرانی و اقبال افراطی به دنیا و تعلقات دنیا از علت‌ها و حکمت‌های اساسی شادی‌های نکوهیده





تمام شادی‌ها در اسلام روا نیست، شادی‌هایی که ناشی از غرور، تکبر، تمسخر و استهزاء دیگران و لهو و لعب و دنیا محوری باشد، به شدت نکوهش شده است. این شادی‌ها باعث غفلت از نیل به کمالات و قصور در تکالیف فردی و اجتماعی می‌شود



یکی از شادی‌های ناپسند و منفی شادی‌های ظاهری تمسخر آمیز است که به منظور تضعیف و تحقیر حق واقع می‌شود. مانند خنده‌ی فرعون در برخورد با معجزات روشن حضرت موسی (ع) و دلایل منطقی او



یکی از شادی‌های ناروا خندیدن به فردی است که در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد؛ مثلاً در سخن گفتن توپوق می‌زند یا در حین راه رفتن زمین می‌خورد و غیره. امام علی (ع) فرمودند: «به لغزش دیگران خوشحال مشو، زیرا تو نمی‌دانی که زمانه با توجه خواهد کرد.»

شادی‌های ناپسند و منفی شادی‌های ظاهری تمسخر آمیز است که به منظور تضعیف و تحقیر حق واقع می‌شود. مانند خنده‌ی فرعون در برخورد با معجزات روشن حضرت موسی (ع) و دلایل منطقی او، همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: «پس چون آیات ما را برای مؤمنان آورد، ناگهان ایشان بر آن‌ها خنده زدند.»<sup>۲</sup> این شیوه‌ی همه‌ی طاغوت‌ها و نادان متکبر است که معجزات را سبک می‌شمارند و قصد دارند به دیگران بفهمانند که دعوت‌شان قابلیت بررسی و جواب‌گویی ندارد.<sup>۴</sup>

**۲) شادی برای تمسخر مؤمنان:** قرآن در زمینه‌ی خنده‌ی تمسخر آمیز متکبران نسبت به اهل ایمان می‌فرماید: «کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند، به ریشخند می‌گرفتند.»<sup>۵</sup> غافل از روزی که مؤمنان به آن‌ها می‌خندند: «پس امروز مؤمنان به کافران می‌خندند.»<sup>۶</sup> این برعکس شدن خندیدن، در روز قیامت یک نوع عذاب دردناک برای این مغروران مستکبر است. از حضرت محمد (ص) روایت شده دری از بهشت در قیامت به روی کافران باز می‌شود و آنان به خیال این که از جهنم آزاد شده‌اند، به سوی آن در حرکت می‌کنند، ولی قبل از رسیدن به آن، در بسته می‌شود و این کار چند بار تکرار می‌شود و مؤمنان بهشتی که این صحنه‌ها را می‌بینند، به آن‌ها می‌خندند.<sup>۷</sup>

**۲-۲) شادی به زشتی‌ها:** رهایی شرمندگان از عمل زشت خویش آسان است، ولی بدکاران مغرور و از خودراضی نه تنها از اعمال زشت خویش احساس شرمندگی نمی‌کنند، بلکه با شادمانی به آن افتخار می‌کنند و منتظر تمجید و تعریف دیگران هستند. قرآن کریم درباره‌ی این دسته از افراد می‌فرماید: «البته گمان نکن کسانی که به آن چه کرده‌اند، شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آن چه نکرده‌اند، مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً

به شمار می‌آیند. درک مضمون این پیامک‌های لطیف و عمیق به شناسایی بهتر هدفمندی حلقه‌های سیاست‌گذاری دانشگاه قرآنی و طرح هدفمندی ساز یارانه‌های قرآنی در رفع شادی‌های نکوهیده که چون سرابی در مسیر زندگی انسان قرار دارند و جلب عشق و رضای الهی و کسب مرواریدهای درخشان ایمان عمیق و معرفت انسان کوچک و خداوند بزرگ که محصول نهایی این ستاد عظیم تربیتی است، منجر می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، روایات، شادی، شادی‌های نکوهیده، حکمت عدم جواز شادی‌های نکوهیده

#### شادی‌های نکوهیده در قرآن کریم و روایات

تمام شادی‌ها در اسلام روا نیست، شادی‌هایی که ناشی از غرور، تکبر، تمسخر و استهزاء دیگران و لهو و لعب و دنیا محوری باشد، به شدت نکوهش شده است. این شادی‌ها باعث غفلت از نیل به کمالات و قصور در تکالیف فردی و اجتماعی می‌شود، خصوصاً این که لذت ناشی از آن رشد فزاینده‌ی غیرقابل کنترل دارد و در نتیجه‌ی ادامگی آن به زوال عقل یا حداقل تعطیلی وظایف انسانی منجر می‌شود. در اسلام حکمت عدم جواز شادی‌های زودگذر، فوت مصلحت و همچنین ناسازگاری با اوصاف مؤمنان بر شمرده شده است. در برخی روایات به حکمت مذمت برخی عوامل شادی‌آفرین اشاره شده است و حکمت عدم جواز شادی‌های زودگذر، فوت مصلحت بالاتر و مهم‌تر معرفی شده است، ولی در کلام حضرت امیر مؤمنان (ع) حکمت عدم جواز شادی‌های زودگذر، رفتار و حرکات سبک کودکانه که سازگار با ویژگی‌های مؤمنان نیست، است.

#### ۱-۲) شادی‌های تمسخر آمیز:

۱) شادی برای تمسخر آیات الهی؛ یکی از



گمان میر که برای آنان نجاتی از عذاب است، بلکه عذابی دردناک دارند.<sup>۸</sup> یعنی داده‌های خداوندی برای آنان عین بلاست.<sup>۹</sup>

**۳-۲) شادی به فرقه‌گرایی در دین؛** هر قوم و جامعه‌ای برای پرستش خداوند راهی انتخاب کرده، خود را بر حق می‌بیند و دیگران را گمراه و باطل می‌پندارد.<sup>۱۰</sup> عجیب این که هر گروه به داشته‌های خود خوشحال و راضی است و از دیگران بیزار.<sup>۱۱</sup> قرآن کریم به یکی از پیامدهای مهم شرک که فرقه‌گرایی است، اشاره می‌فرماید: «ولی آنان کارشان را در میان خود قطعه‌قطعه کردند، هر گروهی به آنچه دارند، دل خوشند.»<sup>۱۲</sup> یا می‌فرماید: «از همان کسانی که دین‌شان را پاره‌پاره کردند و فرقه‌فرقه شدند، هر گروهی به آن چه دارند، دل خوشند.»<sup>۱۳</sup> آنان چون هوای نفس خود را ملاک دین قرار می‌دهند و آن هم به نسبت افراد و زمان‌ها متغیر است، هر دسته از دین خود شادمان و به آن وابسته می‌گردد<sup>۱۴</sup> و رفع این اختلافات که باعث این همه فساد می‌شود، جز به ظهور حضرت بقیه‌الله که صفحه‌ی زمین را بر یک دین در آورد و بساط عدل را پهن کند، ممکن نیست.<sup>۱۵</sup>

اساساً طاغوت‌ها و مترفین به دلیل تمرکز قدرت و انحصار داشتن امکانات مادی و رفاهی فسادآور در ترویج فرهنگ فساد نقش مهمی ایفا می‌کنند.<sup>۱۶</sup>

**۴-۲) شادی به گناه؛** به فرموده‌ی امام علی (ع) «شادی به گناه، زشت تر از انجام آن است.»<sup>۱۷</sup> و نیز «سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناه کار آن را سبک شمارد.»<sup>۱۸</sup> همچنین از امام سجّاد (ع) نقل است که فرمودند: «پرهیز از خوش حالی به گناه، چرا که خوش حالی به گناه بدتر و بزرگ تر است.»<sup>۱۹</sup>

**۵-۲) شادی از لغزش دیگران؛** یکی از شادی‌های ناروا خندیدن به فردی است که در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد؛ مثلاً در سخن گفتن توپوق

گردید، و گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی بازمی‌گردند، درحالی که بدن‌های‌شان را به گور می‌سپاریم، و میراث‌شان را می‌خوریم! گویی ما پس از مرگ آنها جاودانه‌ایم!...<sup>۲۰</sup> «لذا عبرت به جا از مرگ دیگران به جای شادی و خنده‌ی نابجا و تشییع جنازه توصیه شده است.

**۲) شادی بر مصیبت مظلومان؛** همیشه در تاریخ، مظلومانی در سلسله‌ی حق به دست ظالمانی در زنجیره‌ی باطل کشته شده‌اند و بزرگ‌ترین ظلم تاریخ، ستم به اهل بیت و شهادت حضرت سید الشهداء و یاران با وفایش بوده است. شادی در روز عاشورا قرار گرفتن در مسیر بنی امیه، آل زیاد و آل مروان است که از این جنایت بزرگ تاریخ، شادی می‌کردند. در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

«و هذا یومٌ فرحت به آل زیاد و آل مروان»<sup>۲۱</sup> و امروزه هم اگر کسی به ظلمی در هر جای جهان شاد و خشنود باشد، شریک ستمگر خواهد شد. به فرمایش امام رضا (ع): «هر کس کوشش در رفع احتیاجات خویش را در روز عاشورا ترک گوید، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورده نماید و هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه و گریه قرار دهد، خداوند روز قیامت را روز شادی و سرورش مقرر فرماید و چشم‌هایش را در بهشت به وسیله‌ی ما روشن کند و هر کس روز عاشورا را روز برکت خویش بنامد و برای منزلش چیزی ذخیره کند، وی را در آن چه اندوخته است، برکتی نباشد و روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد لعنه الله علیهم در پائین‌ترین درجه‌ی جهنم محشور می‌شود.»<sup>۲۵</sup>

**۷-۲) شادی خندانند مردم با دروغ؛** از شادی نکوهش شده شادی خندانند مردم با دروغ‌گویی است. حضرت محمد (ص) فرمود: «وای بر کسی که سخنی دروغ بگوید تا مردم را بخندانند، وای بر او! وای بر او! وای بر او!»<sup>۲۶</sup>

می‌زند یا در حین راه رفتن زمین می‌خورد و غیره. امام علی (ع) فرمودند: «به لغزش دیگران خوشحال مشو، زیرا تو نمی‌دانی که زمانه با توجه خواهد کرد.»<sup>۲۰</sup> و نیز از نیایش آن حضرت است که: «خدایا! ببخشای نگاه‌های اشارت آمیز، و سخنان بی‌فایده، و خواسته‌های بی‌مورد دل و لغزش‌های زبان.»<sup>۲۱</sup>

**۶-۲) شادی در برابر افراد محزون؛** امام حسن عسگری (ع) فرمودند: «شادی در برابر محزون، از ادب دور است.»<sup>۲۲</sup>

**۱) شادی و خنده در تشییع جنازه؛** امام علی (ع) در تشییع جنازه‌ای صدای خنده‌ای شنید و درباره‌ی همین مسأله‌ی اخلاقی - اجتماعی فرمودند: «گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده، حق جز بر ما واجب



از شادی نکوهش شده شادی خندانند مردم با دروغ گویی است. حضرت محمد(ص) فرمود: «وای بر کسی که سخنی دروغ بگوید تا مردم را بخندانند، وای بر او! وای بر او! وای بر او!»



از شادی‌های ناروا که از شیوه‌های ترویج فرهنگ شادی از نوع مبتذل آن است برگزاری مجالس لهو و خوش گذرانی است که معمولاً با گناهان دیگر مانند غنا و موسیقی، اختلاط زنان و مردان نامحرم، لهو و لعب و رقص، و سنت‌های نادرست رایج در جاهلیت قدیم و غرب امروزی که منشاء و همراه فساد است، می‌باشد.



قرآن کریم سرمستی و غرور حاصل از نعمت‌ها را باعث غفلت انسان از شکر نعمت‌های پروردگار می‌داند چرا که او خود را مالک نعمات دانسته، فکر می‌کند هیچ کس نمی‌تواند آن را از او سلب کند و مجدداً رنج و سختی را به او باز می‌گرداند:

به‌جای تکبیر و صلوات و غیره است که عادت جاهلی محسوب می‌شود و جای بسی شگفتی است تکبیر و صلوات و شور و شعور دینی را نوعی تحجر می‌دانند.<sup>۳۰</sup> درحالی که گوش دادن به صداهای طرب‌انگیز از عواملی است که دل را سخت می‌کند.<sup>۳۱</sup>

قرآن کریم درباره‌ی این سنت جاهلی می‌فرماید: «و نمازشان در خانه‌ی خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نیست، پس به سزای آن که کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بپوشید».<sup>۳۲</sup> عجیب‌ترین که مشرکان مدعی، متولی مسجد الحرام بودند! نماز و عبادتی که داشتند که جز سوت کشیدن و دست زدن نبود و چون همه‌ی کارهای آن‌ها ابلهانه و زشت است، پس باید عذاب را به کیفر کفرشان بپوشند.<sup>۳۳</sup>

آری، اسلام از این دست اعمال زشت در هر زمان و لویه‌نام بزرگداشت مقدسات و همراهی موسیقی و نیز حرکاتی شبیه رقص با آیات قرآن و اشعاری که مدح پیامبر(ص) و علی(ع) است، مخالف است.

۲-۱۰) **شادی مخالف با دستورات پیامبر(ص)؛** قرآن کریم می‌فرماید: «برجای ماندگان، از خانه‌نشینی خود که مخالفت با رسول خدا بود، شاد بودند و در دل ناخوش داشتند که در راه خدا به مال و جان‌شان جهاد کنند...»<sup>۳۴</sup> کلام الهی اشاره دارد منافقان از عمل ضد رسول خود خوش حال نباشند، بلکه باید به خاطر آن چه کسب کرده‌اند، کمتر بخندند و خوش حالی کنند و برای آینده‌ی تاریک و کیفرهای دردناک آن جهان و از دست دادن سرمایه‌ی عمر و استعداد خود و بدبختی و بدنامی خود گریه کنند:<sup>۳۵</sup> «از این پس کم بخندند و به جزای آن چه بدست می‌آورند، بسیار بگریند».<sup>۳۶</sup> از آیه‌ی شریفه این پیام برمی‌تابد که اگر تخلف از دعوت رسول(ص) در این چند روزه‌ی زندگی به صورت آسایش و شادی و سرور درمی‌آید،

۲-۸) **شادی و خنده‌ی بی‌مورد؛** روایت شده که در شرف یابی عربی بادیه‌نشین به محضر حضرت رسول(ص) شترش پس از سلام او را چندین مرتبه از آن حضرت دور کرد و این جریان باعث خنده‌ی همراهان حضرت(ص) شد. وقتی آن عرب بر اثر ناراحتی شترش را کشت، اصحاب داستان را به پیامبر(ص) عرضه داشتند. حضرت فرمودند: «بله! دامن‌های شما پر از خون آن شتر است. شما خندیدید و از رفتار شما عصبانی شد و آن را کشت».<sup>۳۷</sup>

۲-۹) **شادی مجالس خوش گذرانی ناروا؛** از شادی‌های ناروا که از شیوه‌های ترویج فرهنگ شادی از نوع مبتذل آن است برگزاری مجالس لهو و خوش گذرانی است که معمولاً با گناهان دیگر مانند غنا و موسیقی، اختلاط زنان و مردان نامحرم، لهو و لعب و رقص، و سنت‌های نادرست رایج در جاهلیت قدیم و غرب امروزی که منشاء و همراه فساد است، می‌باشد. و جای بسی تأسف است برخی با سنت‌های اجتماعی-فرهنگی ناشی از خوش گذرانی‌های کاذب، چشم و هم‌چشمی‌ها و میراث گذشتگان خود به شادی‌های ناروا رو می‌آورند. اینان یا نمی‌دانند یا وانمود می‌کنند که نمی‌دانند حکم نگاه کردن به رقص هم، حکم خود آن را دارد.<sup>۳۸</sup> و رقص به هر شکلی (چه مرد برای مرد یا زن برای زن و غیره جز زن برای همسرش) اشکال دارد، و این‌گونه فرهنگ جشن و شادی مبتذل پر از تهی و ناروا از اعتبار عقل و شرع بیرون می‌رود. اسلام خواهان زندگی شاداب و با طراوت برای مردم است. آن چه اسلام با آن مخالف است، گناه و آلودگی است. قطعاً درست نیست نام جلسات و مراسم گناه را جلسه‌ی شادی گذاشته و اسلام را مخالف شادی در زندگی امان بدانیم.<sup>۳۹</sup>

یکی از سنت‌های غلط متداول در دوره‌ی جاهلیت و نیز در جمع‌های روشن‌فکران «کف و سوت»



**در سوره‌ی رعد، قرآن یادآور می‌شود که شادی زندگی دنیایی در مقایسه با شادی زندگی آخرت قابل مقایسه نیست: «خدا روزی را بر هر کس که بخواهد گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گرداند؛ و به زندگانی دنیا سر مست شده‌اند و زندگانی دنیا در برابر آخرت جز بهره‌ای ناچیز نیست.»**

در عوالم دیگر حسرت و پشیمانی دامنه‌داری است و برای همیشه گریبان خواهند بود.<sup>۳۷</sup> همچنین پیام دیگر آیه‌ی مبارکه این است که گرچه آیه درباره‌ی متخلفان از خودراضی و خوش حال وارد شده، ولی نسبت به کلیه‌ی اهل معاصی ساری و جاری است اعم از شادی به گناهان و خوش حالی و خنده و قهقهه، بلکه رقص و طرب و ساز و آواز که از پیامدهای آن غافل مانده‌اند.<sup>۳۸</sup> عجیب این است که منافقان و مشرکان از گناهان و تقصیرات خود ناراحت نمی‌شوند و گریه نمی‌کنند، بلکه از روی عناد، قهقهه‌ی مستانه سر می‌دهند. قرآن به آنان می‌فرماید: «پس آیا از این سخن عجب می‌دارید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید و شما باید که غفلت زده‌اید.»<sup>۳۹</sup> درحقیقت آیات الهی آنان را توبیخ می‌کند که وقتی پروردگارتان خداست و همه‌ی امور به او ختم می‌شود، پس چرا به خاطر کوتاهی‌های خود به جای گریه، خنده تحویل می‌دهید؟!

**۱۱-۲) شادی به مال و ثروت و رفاه در دنیا؛ قرآن کریم سرمستی و غرور حاصل از نعمت‌ها را باعث غفلت انسان از شکر نعمت‌های پروردگار می‌داند چرا که او خود را مالک نعمات دانسته، فکر می‌کند هیچ کس نمی‌تواند آن را از او سلب کند و مجدداً رنج و سختی را به او باز می‌گرداند:**<sup>۴۰</sup> «و اگر پس از محنتی که به او رسیده، نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت: گرفتاری‌ها از من دور شد، بی‌گمان او شادمان و فخر فروش است.»<sup>۴۱</sup> لذا انسان بی‌اعتقاد به توحید افعالی و غافل از تدبیر متقن جهان آفرین، می‌پندارد که زمام تدبیر در اختیار خودش است و نعمتش زوال ناپذیر و در صورت سلب نعمت، به لحاظ عدم اعتماد به نیروی غیبی، یأس و ناامیدی و غمگینی بر او چیره می‌شود.<sup>۴۲</sup> آیه‌ی شریفه‌ی قبل «و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم،

قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود»<sup>۴۳</sup> برعکس آیه‌ی دهم، به رحمت قبل از محنت اشاره دارد که یکی مایوس می‌شود و خدا را قادر بر دفع بلا نمی‌داند و دیگری با رحمت بعد از محنت متکبر و فخرناک می‌شود.<sup>۴۴</sup> قرآن از دادن نعمت تعبیر به «چشانیم» کرده تا نشان دهد که برخی انسان‌ها به قدری کم ظرفیت هستند که با مختصر نعمتی که از دست می‌دهند یا به دست می‌آورند، تعادل خود را از دست می‌دهند.<sup>۴۵</sup>

در سوره‌ی رعد، قرآن یادآور می‌شود که شادی زندگی دنیایی در مقایسه با شادی زندگی آخرت قابل مقایسه نیست: «خدا روزی را بر هر کس که بخواهد گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گرداند؛ و به زندگانی دنیا سر مست شده‌اند و زندگانی دنیا در برابر آخرت جز بهره‌ای ناچیز نیست.»<sup>۴۶</sup> لذا اگرچه اهل دنیا با نعمت‌های دنیوی و بسط آن خوش حال می‌شوند<sup>۴۷</sup> و پیمان شکنان و مفسدان فی الارض تنها به زندگی دنیا خشنودند،<sup>۴۸</sup> زندگی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی بیش نیست.<sup>۴۹</sup>

کلام الهی درباره‌ی سرکشی و شادمانی قارون و ثروت فراوان او می‌فرماید: «قارون از قوم موسی بود و بر آنان تکبر کرد و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن‌ها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد، آن گاه که قوم وی به او گفتند: شادی نکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی‌دارد.»<sup>۵۰</sup> آیه‌ی مؤید: «المال و التبنون زينة الحیوة الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املًا»<sup>۵۱</sup> است. قوم موسی به قارون یادآوری کردند که از این همه خوش حالی آمیخته با غرور و غفلت بپرهیزید. از آیه‌ی بعدی به شمارش حلقه‌های پنجگانه‌ی کامل می‌پردازد که متضمن شادی است که در بخش بعدی ارائه خواهد شد. زندگی بشر در دنیا مثل بازی کودکانه و سرگرمی است. قرآن کریم زندگی بشر را در دنیا به بازیکنان

باران تشبیه نموده که سبب رشد نباتات و حرکت و نشاط و شادی می‌شود. با این که دنیا هدف نهایی نیست ولی برای رسیدن به اهداف رفیع انسانی و سعادت جاودان باید از نردبان دنیا کمک گرفت: «بدانید زندگی دنیا در حقیقت بازی سرگرمی و زینت و فخر فروشی شما به یکدیگر و افزون طلبی در اموال و فرزندان است. مثل آن‌ها، مثل بارانی است که کشاورزان را گیاه آن به شگفتی می‌اندازد، سپس خشک شود و آن را زرد ببینی، آن گاه خاشاک شود و در آخرت دنیا پرستان را عذابی سخت است و مؤمنان را از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.»<sup>۵۲</sup> دوستی دنیا سرچشمه‌ی تمام گناهان است و طردکننده‌ی عیب‌جویی که مال جمع‌آوری و شمارش می‌کند، می‌پندارد که مالش او را جاودانه می‌سازد.<sup>۵۳</sup> در حالی که «افرادی که فریب دنیا را خورده و دل به آن بستند، اجباراً همه را از کف خواهند داد.»<sup>۵۴</sup> قرآن کریم هشدار می‌دهد «مبادا زندگی دنیا شما را مغرور سازد و به صورت ابزاری برای فریب خودتان و دیگران و غافل ماندن از ارزش‌های الهی و سعادت جاویدان درآید.»<sup>۵۵</sup> لذا انسان باید مراقب باشد که سه دشمن دارد: ۱- دنیا؛ که خودنمایی می‌کند. ۲- نفس؛ که مایل می‌شود. و ۳- شیطان؛ که راه را نشان می‌دهد.<sup>۵۶</sup> و در این مسابقه‌ی معنوی به سوی مغفرت الهی که کلید بهشت است، بشتابید که، قرآن می‌فرماید: **سابقوا الی مغفرة من ربکم...**<sup>۵۷</sup> قرآن کریم به منفعت مداران دنیا طلب اشاره کرده و می‌فرماید: «... پس اگر از آن به ایشان داده شود، خشنودی می‌گردند...»<sup>۵۸</sup> و هشدار می‌دهد که در پی هوای نفس رفتن در تقسیم غنایم و زکات و اموال بیت المال و شادی به بیشترین‌ها، شادی واقعی سعادت آفرین نیست. ■

**منابع:**

۱. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق، العیون الاخبار الرضا(ع)، بی‌جا، انتشارات جهان.
۲. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۸۳ ق، محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم انتشارات اسلامی.
۳. قمی، عباس، ۱۳۸۱، مفاتیح الجنان، بی‌جا، انتشارات یاسین، چاپ سوم.
۴. اکبری، محمود، ۱۳۸۷، غم و شادی در سیره ی معصومان(ع)، قم، صفحه‌نگار، چاپ سوم.
۵. امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، قم، عصر ظهور، چاپ اول.
۶. بابایی، احمد علی، ۱۳۸۲ ش، برگزیده ی تفسیر نمونه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
۷. پورسیف، عباس، ۱۳۸۶، خلاصه تفاسیر (تحقیق و تلخیص)، تهران، چاپ سوم.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۹. جنتی، احمد، ۱۳۸۲، نصایح، قم، الهادی، چاپ بیست و چهارم.
۱۰. حسینی همدانی، سید محمد حسین، ۱۴۰۴ ق، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، چاپ اول.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۱۲. محمد قاسمی، حمید، ۱۳۸۵، اصلاح و افساد در داستان‌های قرآن کریم، تهران نشر پژوهش معناگرا، چاپ اول.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، مجموعه ی استفتانات جدید، قم، مدرسه ی امام علی بن ابی طالب(ع).
۱۴. ....، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، تهران، مکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۵. محمدی، سید محمد کبیر، نشاط و شادکامی در قرآن، پایگاه سید محمد کبیر محمدی، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. ....، شادی‌های مضموم در قرآن، پایگاه سید محمد کبیر محمدی، ۱۳۸۹ ش.
۱. محمدی، سید محمد کبیر، نشاط و شادی در قرآن، پایگاه سید محمد کبیر محمدی، ۱۳۸۹ ش، ص ۴.
۲. محمدی، سید محمد کبیر، شادی‌های مضموم در قرآن، پایگاه سید محمد کبیر محمدی، ۱۳۸۹ ش، ص ۳.
۳. زخرف، آیه ی ۴۷
۴. خلاصه ی تفاسیر، ص ۱۲۷۰، نمونه، ج ۲۱، ص ۷۹، ۱۳۵۳
۵. مطففین، آیه ی ۲۹.
۶. همان، ۳۴.
۷. نمونه، ج ۲۶، ص ۲۸.
۸. آل عمران، آیه ی ۱۸۸.
۹. اطیب البیان، ج ۳، ۴۵۴.
۱۰. انوار درخشان، ج ۱۱، ص ۲۷۲.
۱۱. برگزیده ی نمونه، ج ۳، ص ۲۵۵.
۱۲. مؤمنون، آیه ی ۵۳.
۱۳. روم، آیه ی ۳۲.
۱۴. خلاصه تفاسیر، ص ۱۰۴۹.
۱۵. اطیب البیان، ج ۹، ص ۴۱۳.
۱۶. محمد قاسمی، حمید، ۱۳۸۵، اصلاح و افساد در قرآن کریم، تهران، نشر و پژوهش معناگرا، چاپ اول، ص ۱۰۱.
۱۷. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۶۳.
۱۸. نهج البلاغه، ح ۴۷۷، ص ۷۴۳.
۱۹. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۶۳.
۲۰. همان، ج ۷، ص ۱۴۹.
۲۱. نهج البلاغه، خ ۷۸، ص ۱۲۷.
۲۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۷۴.
۲۳. همان، ح ۱۲۲، ص ۶۵۳.
۲۴. مفاتیح الجنان، ص ۹۷۵.
۲۵. عیون اخبار الرضاء، ج ۱، ص ۲۹۹؛ غم و شادی در سیره ی معصومان(ع)، صص ۷-۵۶.
۲۶. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۸.
۲۷. محجّه البیضاء، ج ۵، ص ۲۳۳.
۲۸. استفتانات جدید آیت الله مکارم، ص ۱۴۴ و ص ۵۳۶.
۲۹. محمدی نیا، اسداله، ۱۳۸۶، پاسخ به پرسش‌های جوانان، قم، بی‌نا، نوبت چهارم، ج ۱، ص ۲۱۴، با اقتباس.
۳۰. غم و شادی در سیره ی معصومان(ع)، ص ۵۶ و ص ۶۲-۶۰؛ نمونه، ج ۷، ص ۱۵۸، (۱۳۵۳).
۳۱. جنتی، احمد، ۱۳۸۲، نصایح، قم، الهادی، چاپ بیست و چهارم.
۳۲. انفال، آیه ی ۳۵.
۳۳. خلاصه ی تفاسیر، ص ۴۷۱.
۳۴. توبه، آیه ی ۸۱.
۳۵. همان، ص ۵۱۴.
۳۶. توبه، آیه ی ۸۲.
۳۷. انوار درخشان، ج ۸، ص ۸۲.
۳۸. اطیب البیان، ج ۶، ص ۲۸۱.
۳۹. خلاصه ی تفاسیر، ص ۱۳۶۲.
۴۰. همان، ص ۵۶۴.
۴۱. هود، آیه ی ۱۰.
۴۲. انوار درخشان، ج ۸، ص ۳۵۰.
۴۳. هود، آیه ی ۹.
۴۴. اطیب البیان، ج ۷، ص ۱۶.
۴۵. خلاصه تفاسیر، ص ۵۶۴.
۴۶. رعد، آیه ی ۲۶.
۴۷. اطیب البیان، ج ۷، ص ۳۳۲.
۴۸. برگزیده ی نمونه، ج ۲، ص ۴۷۸.
۴۹. همان.
۵۰. قصص، آیه ی ۷۶.
۵۱. کهف، آیه ی ۴۶.
۵۲. حدید، آیه ی ۲۰.
۵۳. همزه، آیه ی ۱-۳.
۵۴. خلاصه تفاسیر، ص ۳۹۵.
۵۵. همان.
۵۶. اطیب البیان، ج ۱۲، ص ۴۳۴.
۵۷. حدید، آیه ی ۲۱.
۵۸. توبه، آیه ی ۵۸.